

آسیب شناسی مدعیان دروغین مهدویت از منظر امامان معصوم (ع)

چکیده

ظهور مدعیان دروغین مهدویت یکی از دشواری های جوامع دینی می باشد که با سوء استفاده از احساسات پاک حق جویان در پی ایجاد موقعیتی برای خود هستند. شیعیان در سراسر تاریخ اسلام با این پدیده روبه رو بودند و امامان معصوم با روش های مختلفی آسیب شناسی کرده و با آنها برخورد می کردند. شیعه دوازده امامی با بهره گیری از آموزه های قرآن و پیشوایان معصومین علیهم السلام معتقد است حضرت مهدی (عج) موعود امته و حکومت ایشان بهترین پایان برای زندگی انسان ها در زمین است. این مقاله شیوه های آسیب شناسی و نحوه برخورد امامان معصوم با آنها را بررسی می کند. مهمترین اقدامات و شیوه های برخوردی امامان معصوم شامل دعوت به بازگشت به مسیر حق، گفتمان سازی برای جلوگیری از انحراف، اعلام انزجار از مدعیان، توجه دادن به ریشه های شیطانی انحراف، پرده برداری از توطئه مدعیان، از بین بردن بهانه های مدعیان، مناظره با مدعیان دروغین، منزوی ساختن، مرتد معرفی کردن مدعیان، ارائه معنویت اصیل، تبیین جایگاه امام و امامت، توصیه به ترکیه نفس، معرفی الگوهای رفتاری مثبت و ارائه معیارهای تشخیص امامان معصوم می باشد.

واژه های کلیدی: آسیب شناسی، شیعیان، مدعیان دروغین، مهدویت، امامان معصوم.

مقدمه

در طول تاریخ اسلام مهدویت همواره از سوی گروه های مختلف تهدید شده است. گاه این تهدیدها جنبه داخلی و گاه خارجی داشته و به این دلیل، مقابله با آنان دشواری های خاص خود را داشته است. از مهم ترین این گروهها، مدعیان دروغینی هستند که با سوء استفاده از احساسات پاک شیعیان می خواهند مریدانی برای خویش جذب کنند. اینان نقاب حق به چهره دارند و خود را از رهبران جبهه حق معرفی می نمایند و از همین رو در گمراه نمودن ساده دلان به موفقیت هایی دست می یابند. شناخت تاریخ مدعیان دروغین مهدویت و نیز اقتضانات حاکم بر آنها به منظور دریافت صحیح پیامدهای ادعاهای آنان و همچنین درک تفاوت رفتاری و گوناگونی مواجهات آنان با قضایای پیش آمده، امری ضروری است. گستردگی و پراکندگی این گونه ادعاها در طول تاریخ، دلیلی بر اصالت اسلامی، فراگیری و رسوخ اندیشه مهدویت در میان مسلمانان است. راستیها زمانی رخ می نماید که به شناسایی دقیق تاریخ و کشف حقایق زندگی مدعیان دروغین بپردازیم، موضوع مدعیان

دروغین مدتی است که با اهمیتی فزاینده مورد توجه قرار گرفته است. همگام با توسعه تحلیل‌ها پیرامون این موضوع، نگرش تاریخی به مدعیان دروغین نیز گسترش یافته است (نفیسی، ۱۳۷۳: ۵۴-۶۸).

تاریخچه فعالیت این مدعیان در دوران اسلامی، به دهه‌های نخست هجری برمی‌گردد. آنان در زمان حضور معصومان با استفاده از فضای معنوی موجود در جامعه شیعه، به دنبال جذب پیرو بوده و با اقدامات پیچیده به موفقیت‌هایی دست یافتند. در مقابل، امامان معصوم در برابر این جریان مرموز، ساکت نشستند و با تمامی امکانات موجود، به مقابله با آن پرداختند. اندیشه مهدویت، از زمان پیامبر (ص) و امامان (ع) تاکنون، همواره در جامعه اسلامی راسخ و پویا بوده است. این واقعیت به گونه‌ای در جامعه اسلامی مشهور شده است که کسی نمی‌تواند به سادگی منکر آن شود (نفیسی، ۱۳۷۳: ۵۴-۶۸). متأسفانه این امر در طول تاریخ، دچار آسیب‌هایی، از جمله مدعیان دروغین شده است. همین امر، دستاویزی برای برخی از به اصطلاح روشنفکران شده تا اصل مهدویت و اعتقاد به مهدی موعود (عج) را زیر سؤال برند. حال این که این مدعیان با اغراض و انگیزه‌های خاصی به وجود آمده‌اند و طبق اعتقاد امامیه، هیچ کدام مورد قبول نیستند. در طول تاریخ، مدعیان دروغین فراوان بوده‌اند که از مقام نیابت خاصه، تا مهدویت و از آن فراتر، تا مقام الوهیت را برای خویش ادعا کرده‌اند و هر کدام به اندازه دایره تبلیغ خود، مریدانی به دست آورده‌اند. گرچه ارباب معرفت و تقوا و مؤمنین آگاه، در هر عصری وجود دارند؛ اما عناصر بی‌حقیقت و شیادان جاه طلب و دنیاپرست، در طول تاریخ از عقیده و ایمان مردم نسبت به معبود واقعی، رهبران الهی، شوون دینی و حقایق آسمانی سوء استفاده کرده و خود را به دروغ دارای مناصب معنوی جلوه داده‌اند و ادعای کذب نموده‌اند (شریفی، ۱۳۸۷: ۳۰-۴۵).

ضرورت به کارگیری روش مناسب برای مقابله با این انحراف، ما را وامی‌دارد که به چگونگی برخورد امامان معصوم با این افراد بپردازیم. از آنجا که سبک و سیره زندگی معصومان در تمامی زمینه‌ها، الگویی کامل برای زندگی است، ضروری است که در مسئله مهمی چون شیوه برخورد با مدعیان دروغین مهدویت از این سبک پیروی نماییم، امامان معصوم معصوم برای مقابله با این افراد از روش‌های متفاوتی استفاده می‌کردند که این روش‌ها، گنجینه ارزشمندی را برای ما فراهم ساخته است. شباهت‌های فراوان میان ادعاها و اقدامات گروه‌های انحرافی در زمان امامان معصوم و دوران معاصر، بر اهمیت بررسی روش مقابله معصومان با این افراد می‌افزاید. مقاله حاضر، ابتدا ویژگی‌های شاخص مدعیان دروغین همچون ماهیت، انگیزه، تنوعات، دلایل تاثیر گذاری شان در برخی موارد و اقدامات مدعیان دروغین را بررسی نموده و سپس به رویکرد امامان و مهمترین اقدامات آنها جهت مقابله با این مدعیان دروغین می‌پردازد (طوسی، ۱۳۴۸: ۶۱-۶۹).

بیان مسئله

همگام با توسعه تحلیل‌ها درباره این موضوع، نگرش تاریخی به مدعیان دروغین نیز گسترش یافته است. آنچه در این پژوهش‌ها کمتر مورد کاوش قرار گرفته، آسیب‌شناسی امامان در این زمینه است. بی‌هیچ گمانی باز ترسیم نحوه مواجهه امامان معصوم با چنین پدیده‌های، در رویکرد به بحث مدعیان دروغین اثرگذار است این خود توجیه‌گر درنگی است که بسیاری آن را نادیده گرفته، یا بسیار ساده از آن گذشته‌اند. از جمله کارکردهای ارائه این بحث، الگوگیری از امامان معصوم در مواجهه با مدعیان است. به بیانی نحوه مواجهه آنها و شاخص‌های حاکم بر آن می‌تواند الگوی رفتاری دیگران قرار گیرد. تحقیق درباره زندگی و رفتار امامان معصوم می‌تواند جلوه‌های مدیریت اسلامی در مواجهه با بحران‌ها را به نوعی منعکس کند (طوسی، ۱۳۴۸: ۶۱-۶۹). در این زمینه نحوه رویارویی امامان معصوم با مدعیان دروغین مهدویت به عنوان واقعیتی انکارناپذیر، بازتابنده عملکرد عینی سبک خاصی از مدیریت الهی، تصمیم‌گیری و موضع‌گیری، متناسب با شرایط و مقتضیات است که تحقیق درباره آن می‌تواند به شاخص‌ها و اصول موضوعه سازگار با اعتقادات در مراحل مختلف فرایندهای برنامه‌ریزی منجر شود.

در این مقاله فرض بر این بوده است که سبک امامان معصوم جز در مواجهه با مدعیان دروغین مهدویت، سبکی جامع، پویا و منعطف است؛ رهیافتی که سعی دارد از سنت شکنی‌ها و بدعت‌گذاری‌ها جلوگیری کند و از سویی دیگر اندیشه مهدویت را محفوظ دارد. از این رو برای نشان دادن صحت این استدلال می‌کوشیم تا نشان دهیم:

۱. امامان معصوم نه از چه اقدامات و برنامه‌هایی برای پیشگیری از پیدایش مدعیان استفاده کردند؟
۲. امامان معصوم چه به منظور کنترل و رفع پیامدهای منفی مدعیان دروغین چه اقداماتی انجام دادند؟
۳. شاخصه‌ها و ویژگی‌های مدیریت بحران امامان معصوم در مواجهه با مدعیان دروغین چه بود؟

مدعیان دروغین جهان اسلام

تفسیر و تاویل بیش از صد آیه قرآن در کتاب‌های معتبر شیعه راجع به حضرت ولی عصر (عج) و ظهور آن حضرت و بشارت‌های نبوی و شمار روایات مهدوی منقول از طریق شیعه امامیه در طول حیات ۲۵۰ ساله امامان شیعی تا امامت امام مهدی (عج)، مهدویت را در میان مسلمانان به ویژه شیعیان به صورت عقیده‌های بنیادین، روشن و غیرقابل انکار مطرح ساخت. این جریان اعتقادی مقدس در طول تاریخ و از همان ابتداء همانند دیگر مسائل دینی از ناحیه مدعیان دروغین، به آسیب‌هایی همچون تطبیق، تعجیل و تحریف دچار گردید.

مدعیانی که از هیچ تلاش و کوششی جهت نیل به اهداف شان کوتاهی نکرده و همواره درصدد ایجاد تفکرات انحرافی در بحث مهدویت اقدامات بسیاری را انجام داده اند (نفیسی، ۱۳۷۳: ۵۴-۶۸).

ماهیت مدعیان دروغین مهدویت

ماهیت مدعیان دروغین مهدویت به ۴ گروه قابل تفکیک است (فرهمند پور، ۱۳۸۷: ۵۶-۸۷):

۱. انسان های سست ایمان، عوام و بی سواد که از آوردن کوچک ترین دلیل بر ادعای خود عاجزند. مثلاً می گوید مگر این فقره از دعای وارث «یا لیتنی کنت معک فأفوز فوزاً عظیماً» را در زیارت عاشورا نمی خوانید.
۲. شیادان جاه طلب و سرمایه دار و در عین حال ساده لوح و خودستایش که به دنبال نام و شهرت هستند. یکی از مدعیان: من احساس می کنم که به چیز خوبی که قرآن باشد و به رمزهای آن رسیده ام و شما را هدایت می کنم به همان خدا، به دعاهاى شما جواب مثبت داده و این را به من داده است تا بدهم به شما.
۳. افراد منفعت طلب دنیاپرست طماع در مال امام که به دنبال پر کردن جیب خود هستند. یکی از مدعیان می گوید: حضرت فرمودند: در استفاده از سهم ما آزادید. کسانی به دروغ خود را مهدی نامیدند و یا با ادعای نیابت و کالت و سفارت در عصر غیبت صغری و پس از آن جریانات انحرافی را دامن زدند.
۴. افراد مغرض، سوءاستفاده کننده و گاه نفوذی با انگیزه های سیاسی از ناحیه دشمنان دین و نظام نظیر وهابیت تطمیع می شدند.

انگیزه های ادعای مهدویت

کسانی که در تاریخ بدین عنوان شهرت یافته اند، به سه گروه قابل تقسیم اند:

۱. کسانی که دیگران با انگیزه های خاصی، آنان را «مهدی» نجات بخش خواندند.
۲. کسانی که به انگیزه جاه طلبی و قدرت خواهی، چنین ادعای دروغینی مطرح نمودند.
۳. کسانی که طبق نقشه استعمار و به اشاره دشمنان اسلام، دست به چنین فریبی زدند و خود را مهدی نجات بخش، معرفی کردند.

گروه اول

از تاریخ این واقعت دریافت می‌گردد که برخی از کسانی که مهدویت بدانان نسبت داده شده، نه از سوی خود آنان سرچشمه گرفته و نه خود بدان ادعا راضی بودند؛ بلکه یاران و پیروان آنان چنین عنوانی را به آنها نسبت داده و این اندیشه را در آن روزگاران در میان گروه‌ها و مراکزی گسترش دادند. پیروان آنها کوشیدند تا برخی علایم و نشانه‌های حضرت مهدی علیه‌السلام را که در انبوه روایات آمده به این چهره‌ها تطبیق و تفسیر نمایند. برای نمونه از این گروه می‌توان بدین چهره‌ها اشاره کرد:

- محمد حنفیه؛
- زید فرزند امام سجاد علیه‌السلام؛
- محمد بن عبدالله محض معروف به نفس زکیه.

گروه دوم

اینان کسانی بودند که به انگیزه‌های فریبکارانه و جاه‌طلبانه، ادعای مهدویت نمودند و برای جلب عواطف و احساسات، تسخیر دل‌ها و قلب‌ها و به دست آوردن قدرت، به دروغ خود را مهدی نجات بخش معرفی کردند.

- مهدی عباسی: پدرش منصور دوانیقی ادعا کرد که پسرش «مهدی عباسی» همان مهدی موعود است؛
- جعفر کذاب از دیگر افراد این گروه است.

گروه سوم

اینان عناصری بودند که بر اساس نقشه استعمار و به اشاره استعمارگران، ادعای مهدویت نمودند. از چیزهایی که در این میدان از آن سوء استفاده شد، اندیشه و عقیده به مهدی موعود بود. استعمارگران در این راه برخی عناصر را به دلخواه خویش تربیت کرده و به آنان دستور دادند تا ادعای مهدویت نمایند و آنان را با همه امکانات در این راه یاری کردند که برای نمونه می‌توان به علی محمد باب اشاره نمود که فرقه بابیه را پایه‌گذاری کرد (فرهمند پور، ۱۳۸۷: ۵۶-۸۷).

دلایل تأثیرگذاری ادعاهای مدعیان دروغین

۱. اعتقاد و گرایش مردم به دین، به عنوان یک عنصر اصلی در زندگی، به تعبیر مقام معظم رهبری علاقه مردم به مسائل دینی باعث می شود که آدم خرافه ساز می رود خرافه درست می کند و چون کالای اصلی در اختیارش نیست کالای تقلبی را به میدان می آورد تا مردم را جذب کند؛
۲. جهل و ناآگاهی مردم به دلیل خلأهای به وجود آمده از نحوه آموزش و برداشت های دینی و مذهبی؛
۳. نحوه تبلیغات و فرهنگ سازی ناصحیح در جلسات مذهبی و بعضاً رسانه های جمعی از جمله اصرار بر قرآن درمانی و دعا درمانی صرف؛
۴. سوءاستفاده از اعتقاد قطری و دینی مردم نسبت به اولیای الهی؛
۵. اشاعه قرائت خرافات گرایانه از دین، تکلیف گریزی و دامن زدن به آن در جلسات عمومی.

اقدامات مدعیان دروغین در جلب افکار عمومی

۱. مراقبت از رفتار خود در انظار عمومی تا جایی که مأمّن دیگران باشند. یکی از مدعیان: من طعم محبوبیت را چشیده بودم و از سال ۷۰ تا ۸۰ به هیچ مشکلی بر نخورده | بودم بلکه مورد توجه مردم واقع شده بودم
۲. معرفی خود به عنوان نائب امام و تأکید بر ایجاد ارتباط با اربابان آسمانی از کانال نواب شناخته شده یعنی خودشان به یکی از مدعیان: اگر می خواهید ریسمان پیوند با اربابان آسمانی قطع نشود حتما از کانال تواب شناخته شده حرکت بشود. امام جماعت مسجدی بودم موفق مرا در مسیر سخت آوردند نه اینکه خودم بیایم. الان هم وقتی خسته میشوم، از دست خود خدا به خدا شکایت می کنم
۳. ایجاد ترس در مردانی که نایب یا همان مدعی را همراهی نکرده اند، از طریق نفرین شدن با مورد سؤال واقع شدن از ناحیه امام زمان در وقت ظهور. یکی از مدعیان: اگر لحظهای در این سید یا شخص بنده شک میکنند هم آن سید مظلوم آن ها را نفرین می کند و هم امام زمان که آمد در میز محاکمه اش آنها را سوال و جواب می کند
۴. تعبیر خواب مریدان در راستای منافع خود از طریق اعلام ارتباط با غیب و امام زمان (عج)
۵. یکی از مریدان: خواب می دیدم و آنها را به او می گفتم همیشه می گفت صادق است. بیایید در جمع بگویید. بیا بیان کن که حضرت حجت را دیدی طوری جانداخته بود. که یک عارف کامل است و با معصومین ارتباط دارد ۵: اقدامات عوام فریبانه برای جلب نظر توده مردم نظیر نوشتن دعا با گلاب و

زعفران، که دلایل بوی خوش تصور می کرد که از عرش آمده است یا با تهیه و توزیع فرم مراحل هفت گانه سیر و سلوک، همگان تصور می کردند در مرحله هفت به مقام تشریف نائل می شوند

۶. نشر و اشاعه توهّم سؤال از شما و پاسخ از امام با ادعاهایی نظیر همسر امام زمان بودن و اینکه امام به خاطر من برای حل مشکل شما راهکار ارائه می دهد.

۷. نسخه پیچی برای پیروان دیگر ادیان و مذاهب و گروه های مختلف سیاسی، با این ادعا که من تلاش می کنم مشکل شما حل شود. یکی از مدعیان: اگر لائیک، پت پوستی با یهودی، سنی و مسیحی هستی عیبی ندارد، یکی دو ساعت بیا علوی شو. من تو سل می کنم مشکلت حل می شود (طوسی، ۱۳۴۸: ۶۱-۶۹).

ضرورت بازشناسی تنوعات مدعیان

ادعای مدعیان دروغین مهدویت به مانند هر ادعای دیگری در چارچوب زمانه طرح ادعا و شرایط فرهنگی و اجتماعی مدعی معنا پیدا می کند. از این روست که ادعای مدعیان دروغین در هر جا ویژگی های خاصی را به خود می گیرد. گذشته از این، ادعای هریک از مدعیان می تواند از خاستگاه متفاوتی منشا گرفته باشد، یا سرانجامی خاص از طرح ادعا پدید آمده باشد، یا مهدی ای با ویژگی های ماهوی متمایز نوید داده شده باشد. در نظر نیاوردن این زمینه های تمایز و روی آوردن به شباهت های ظاهری، می تواند موجب دور شدن مطالعات از واقعیت های مهم موجود در این موضوع گردد. از سوی دیگر، بازخورد ادعای مدعیان دروغین در تاریخ تحولات و نیز در حیات گروندگان به مدعی در بردارنده حقایق مهمی است که بازتاب آن در همه مدعیان دروغین یکسان نیست. به رغم واقعیت پیش گفته، نباید به این واقعیت بی توجه بود که تکیه صرف بر گزارش های رسیده از مدعیان دروغین مهدویت و توجه نکردن به تمایزات و گوناگونی ادعای مدعیان می تواند رهن و گمراه کننده باشد. اگرچه روشمندی، شرط هر تحقیق عالمانه است، فقدان این شرط در آثار مربوط به مدعیان دروغین مهدویت این آثار را کم فایده ساخته است، در یک مطالعه روشمند درباره موضوع مدعیان دروغین باید آگاهانه تمایزات و تنوعات مدعیان دروغین را برشمرد.

انواع بر اساس ماهیت ادعا

در مرحله نخست، مدعیان دروغین را به لحاظ ماهیت ادعا دو گونه می یابیم؛ مدعیانی که ادعای مهدویت شخصی داشتند و مدعیانی که ادعای مهدویت نوعی را مطرح می کردند. از حیث ماهیت ادعا، عده ای از مدعیان، ادعای مهدویت شخصی داشته اند؛ بدین معنا که مدعی بوده اند ما همان مهدی موعودی هستیم که

ویژگی های آن در روایات، ذکر شده است. ادعای مهدویت محمد بن حنفیه از سوی کیسانیه از جمله موارد ادعای مهدویت شخصی است (قاضی، ۱۹۷۴: ۷۷-۹۰). این گونه مدعیان را می توان مدعیان مهدویت خاص و متعین نامید. در مقابل، عده ای بر این باورند که در هر عصر باید یک مهدی وجود داشته باشد و ضرورتی هم ندارد که مشخص شود از نسل چه کسی است و چه ویژگی هایی دارد. مهم آن است که مقام هدایت گری و مبارزه با ظلم در هیچ روزگاری تعطیل نشود. این عده قائل به مهدویت نوعی هستند. مهدویت نوعی و ولایت نوعی زمینه را برای ادعای مهدویت محمد بن فلاح (شوشتری، ۱۳۷۷: ۳۹۰-۳۹۷) و محمد بن عبدالله نوربخش که با زمینه های صوفیانه همراه بود، مهیا ساخت. در هر عصر و دوره ای باید یک مهدی با ویژگی ها و خواص مهدویت و هادویت وجود داشته باشد. آنان بر این باورند که هیچ عصری خالی از یک مهدی و هادی نیست و ضرورتی هم ندارد که مشخص شود از نسل چه کسی است و چه ویژگی هایی دارد (نفیسی، ۱۳۷۳: ۵۷-۵۹).

در خاستگاه پیدایش چنین تفکری باید گفت از دیرباز نوعی تفکر صوفیانه در عده ای نفوذ کرد که در مسیر تاریخ به عقاید و آرای ویژه ای تبدیل شد و گاهی با اندیشه های فلسفی درهم آمیخت و عناوین و اصطلاحات تازه ای به بازار علم وارد ساخت. اما این واژه ها و اصطلاحات این بار نیز در مسئله مهدویت، دستخوش ظلم و بی مهری شد و دستاویزی برای تحریف آموزه مهدویت گردید. برای نمونه، دیدگاه های خاص درباره توسعه مفهوم ولایت یا نظریه ختم ولایت و این که مصداق آن کیست، اهمیت خاصی در این زمینه دارد.

انواع بر اساس دامنه جغرافیایی

اگر مدعیان دروغین مهدویت را به لحاظ نقشی که ایفا کردند یا هدفی که بر عهده داشتند مطالعه کنیم، به تنوع در این زمینه نیز دست خواهیم یافت. در نخستین نگاه، مدعیان را در این زمینه سه گونه می یابیم؛ مدعیانی که ادعای آنان به صورت فردی بود و ایجاد هیچ تحول با تحرک جمعی با دامنه جغرافیایی خاص را به آن نسبت داده نشد. در دایره المعارف تشیع، ذیل مدخل باب، به تعدادی از کسانی اشاره شده که ادعای بابیت یا مهدویت کرده اند و به صورت اجمال نام آنان آمده است که ادعای غالب آنان هیچ تحول یا تحرک جمعی را به دنبال نداشته است (صدر حاج سید جوادی و دیگران، ۱۳۸۶، ۳-۶). در میان مدعیان دروغین، دسته ای هستند که طرح ادعای آنان در محدوده یک منطقه جغرافیایی با جمعیتی خاص با ملیت خاص بوده است. به عنوان نمونه، در یمن در سال ۱۱۵۹ قمری فردی به نام محمد با ادعای مهدویت ظهور کرد و به مهدی تهامه شهرت یافت. او اعراب منطقه را به گرد خود جمع کرد و چند سالی نیز حکومت کرد تا این که توران شاه آنان را از بین برد (قرشی، ۱۴۱۷: ۱۴۳). محدوده جمعیتی پیروان او محدود به یمن می شد.

انواع بر اساس مقطع تاریخی

با مطالعه و تحلیل موضوع مدعیان دروغین فارغ از چگونگی طرح ادعا مقاطع تاریخی طرح ادعای آنان نیز روشن می شود. برهه های تاریخی طرح ادعای مدعیان دروغین را می توان چنین تبیین کرد: روزگار حضور امامان معصوم، روزگار غیبت صغرا و روزگار غیبت کبرا، آن چه در این زمینه اهمیت دارد، زمان شناسی مدعیان دروغین است. طبیعی است به لحاظ زمانه طرح ادعا از سوی مدعیان دروغین کیفیت ادعا نیز متغیر است. در این راستا نکاتی مهم در تبیین برهه های تاریخی مدعیان دروغین دارای اهمیت است. نکته جالب دیگر این که بنی امیه و بنی عباس که از مخالفان سرسخت علویان بودند. به جای این که این اندیشه را از بین ببرند، درصدد تأویل آن به نفع خویش برآمدند. آنان خود را مهدی می نامیدند تا این مفهوم خاص به یک عنوان عام و لقب افتخاری خلفا تبدیل و مفهوم نجات بخشی و ستم ستیزی از آن سلب شود (قاضی، ۱۹۷۴: ۷۷-۹۰).

شیوه های برخورد امامان معصوم با مدعیان دروغین

خطر انحرافات مدعیان دروغین به قدری برای جامعه شیعه زیاد بوده که امامان معصوم، هرگونه کوتاهی در مقابله با این شیادان را جایز نمی دانستند و آنها را بدتر از یهود، نصارا و مشرکان قلمداد می کردند. با آن که بسیاری از این مدعیان، شخصیت های شناخته شده و با سابقه شیعه بودند اما دفع آنها چه بسا مشکلاتی برای جامعه اندک و نوپای شیعه ایجاد می کرد. امامان معصوم با تمامی روشهای ممکن به دفع ادعای این افراد می پرداختند. بدیهی است که ایشان در هر مورد با توجه به شرایط از شیوه مخصوصی استفاده می کردند و در صورتی که رفع مشکل با گام های ساده تر ممکن بود، به همان اکتفا می نمودند. در صورتی که روش های ساده تر برای رفع مشکل کافی نبود، از روش های دیگری چون لعن، منزوی کردن و حتی کشتن آنها استفاده می کردند.

به طور کلی امامان معصوم توجه خود را بر نقاط حساس و راهبردی در تبیین مهدویت معطوف کردند. منظور از نقاط راهبردی و حساس، نقاطی است که انحراف و اشتباه در آنها موجب صدمات سنگینی می شود، اما بیان آنها موجب کارایی بیشتری می گردد. البته امامان معصوم به افزون بر ورود به مباحثی که به مبانی اصلی اندیشه مهدویت مرتبط بود (مانند مسائل مرتبط به غیبت و حکومت جهانی)، در شناسایی، استخراج و رصد موضوعات مهدوی به نحوی اقدام می کردند که اعلام نظر در آن زمینه و تحقق یک ممیزه فکری، به گونه ای با مقاصد اصلی اندیشه مهدویت مرتبط باشد. آنها در این راستا از ورود به مباحثی که نتیجه عینی و عملی مشخص سبک شناسی مواجهه امامان معصوم با مدعیان دروغین مهدویت نداشت، پرهیز می کردند. مهم ترین اقدامات امامان معصوم را می توان در موارد ذیل خلاصه و به طور مختصر تشریح نمود (امام خمینی، ۱۴۰۹ ق، ۴۷۲-۴۷۷).

دعوت بازگشت به مسیر حق

ساده ترین برخوردی که امامان معصوم علی در برابر مدعیان دروغین داشتند، امر به معروف و دعوت به بازگشت به صراط مستقیم بود. همان گونه که در کتابهای فقهی بیان شده است و رعایت مراتب در امر به معروف و نهی از منکر اهمیت دارد، امامان معصوم ابتدا این افراد را به توبه و بازگشت از خطای خویش توصیه می نمودند، ولی آن گاه که از گناه خویش دست نمی کشیدند، از روشهای شدیدتری استفاده می کردند. در این باره از امام صادق نقل شده است:

امام صادق ع به ابو خطاب نوشتند: برایم خبر داده اند که تو اهل تأویل شده ای و گمان کرده ای که خمر مردی است و زنا مردی و نماز مردی و روزه مردی، این گونه نیست که تو گمان نموده ای. ما اصل خیریم و فروع این خیر اطاعت از خداست.

امام صادق ع فرمودند: که از فرومایگان بپرهیزید؛ چرا که من ابو الخطاب را از آنان نمی کردم، اما او نپذیرفت. همچنین نقل شده است: مرد خوش سیمایی بر امام صادق وارد شد. حضرت به او فرمودند: از فرومایگان بپرهیز. از حال او پرسیده شد، گفتند که از غالیان است (کشی، ۱۴۰۹: ۴۳۰-۴۵۰).

گفتمان سازی برای جلوگیری از انحراف

عمومیت یافتن درک و نگاه عمومی شیعیان به آموزه مهدویت مستلزم عرضه عمومی و تبیین دقیق اندیشه مهدویت در تفکر شیعی بود. از همین رو، امامان معصوم را در دوران حضور با جدیت تمام به تعریف حدود این نظریه و تعمیق باور به آن در میان پیروان خود اهتمام نمودند. جهت دیگری که باید بدان توجه کرده این است که امامان شیعه با تأکید بر نظریه امامت منصوص نه تنها مشروعیت خود را برای تعامل اثرگذار با پیروان خویش تأمین کردند، بلکه با بهره برداری از مشروعیت نهادینه شده برآمده از آن توانستند از تقویت و رشد مدعیان دروغین امامت و مهدویت استفاده کنند. امامت منصوص بدان معناست که امام موهبتی است الهی که به شخص برگزیده و معینی در فرزندان فاطمه و امام علی محدود می شود و امام، قبل از رحلتش با هدایت خداوندی، امامت خود را با معرفی و تعیین صریح و روشن، به امام بعدی منتقل می کند؛ خواه او قدرت سیاسی و حکومت را داشته باشد و یا نداشته باشد (جعفری، ۱۳۸۶: ۳۳۵-۳۳۹).

عمومیت یافتن این درک و نگاه نسبت به معنای خاص امامت و فهم پذیری آن مستلزم عرضه عمومی و دقیق نظریه امامت منصوص در تفکر شیعی بود. در دیدگاه شیعه، مهدی از مقام امامت برخوردار است. شاید در هیچ

یک از اندیشه های موعودی ادیان و مکتب های مختلف جهان، موردی به جز تشیع دوازده امامی را نتوان یافت که موعودش الزاما باید امام باشد. برای درک این مقام و ویژگی های آن باید در آیات و روایات ناظر به آنها درنگ کرد. از دیدگاه شیعه تعیین امام تنها باید با انتخاب الهی انجام گیرد. از این رو در موارد بسیاری بر منصوص بودن امامت با در نظر گرفتن این اوصاف تأکید شده است.

اعلام انزجار از مدعیان

آن گاه که تذکرات امامان معصوم به این افراد کارساز واقع نمیشد، ایشان برای محفوظ ماندن جامعه شیعه از خطرات این افراد، برخوردهای سخت تری را در پیش می گرفتند. یکی از رایج ترین این برخوردها، اعلام براءت از این افراد بود. تصمیم گیری آنگاه مؤثر و کارا خواهد بود که از درجه قاطعیت و ثبات لازم برخوردار باشد. در این زمینه هنگامی که همه زوایای یک مسئله از سوی امامان معصوم از سنجیده می شد، تصمیمات لازم را در مواجهه با مدعیان دروغین اتخاذ می کردند. اوج برخوردهای قاطع با مدعیان دروغین مهدویت در مواجهه امام رضا با واقفیه دیده می شود. در تحلیل این امر توجه به این نکته اساسی لازم است که شدیدتر بن برخورد امامان معصوم و در مواجهه با جریانات انحرافی، در تقابل با جریانات انحرافی درون مذهبی بوده است

امام حسن عسگری بدون پرسش قبلی برای من نوشت که من از این افراد براءت می جویم. تو نیز از آنها براءت بجو. اعلام براءت از این افراد، به طور معمول همراه با لعن آنها بوده است. نوع بیان لعن، متناسب با افراد تغییر می کرده است و گاه شدت زیادی می گرفت که نشان دهنده اهتمام امامان معصوم در برخورد با این مدعیان است به عنوان نمونه، در این باره روایت می شود:

در زمان غیبت صغرا که فعالیت این مدعیان بیشتر شده بود، نواب اربعه، همین روش را در پیش گرفتند. با این روش، جامعه شیعه با ماهیت مدعیان دروغین آشنا می شد و از خطر انحرافات آنها در امان می ماند. گاه نیز حضرت ولی عصر (عج) به صورت مستقیم به وسیله توقیعات شریف، این افراد را لعن می کردند (کلینی، ۱۳۶۵، ۱۵۰-۱۶۵).

توجه دادن به ریشه های شیطانی انحراف

امامان معصوم فاش کرده اند که صاحبان این ادعاها با شیطان، ارتباط حسی داشته اند. شیطان برای منحرف ساختن انسان ها، گاه علاوه بر وسوسه های نفسانی، به صورت سمعی و بصری با کسانی که زمینه لازم را داشته باشند، ارتباط برقرار می نماید. این نوع ارتباط مدعیان، علاوه بر امت های پیشین در زمان رسول اکرم نیز سابقه

داشته است. هم چنین در زمان امیرالمؤمنین، حسن بصری در پاسخ به پرسش ایشان، درباره علت شرکت نکردن در جنگ جمل گفت:

من دو مرتبه ندایی از غیب را شنیدم که می گفت: قاتل و مقتول هر دو در آتش هستند.

ایشان به او فرمودند:

آن صدای برادرت ایلیس بوده است و راست گفته که قاتل و مقتول از آنها در آتش هستند (شیخ صدوق، ۱۴۰۶: ۲۱۵-۲۲۷).

پرده برداری از توطئه مدعیان

در برخی موارد امامان معصوم به ادعای بی مورد مدعیان را از قبل پیش بینی می کردند و از توطئه آنها پرده بر می داشتند و در این زمینه هشدارهایی می دادند و اکنش امام صادق ش در برابر ادعای مهدویت محمد بن عبدالله و اکنش در برابر قیام او از این جمله است. از دیدگاه امام این اقدام ساده و شتابزده نه تنها دوام نمی آورد، بلکه فرصت طلبان از آن بهره بیشتری می برند.

در منابع گزارشی نقل شده است که امام صادق بلند به عبدالله بن حسن پدر محمد او فرمود: گمان می کنی که پسرت همان مهدی موعود است؟ چنین نیست و وقت آن فرا نرسیده است!« عبدالله بن حسن از این کلام امام به خشم آمد و گفت: تو را حسد فراگرفته است! امام در پاسخ ضمن نفی حسد، بر شانه های وی زد و از کشته شدنش فرزنداناش خبر داد (طبری، ۱۳۸۷: ۵۵۷-۵۶۲).

به نظر می رسد لقب نفس زکیه پس از عنوان مهدی به وی داده شده است؛ بدین معنا که پس از آنکه هواداران او با شهادتش از مهدی بودن او نومید شدند کشته شدن وی را یکی از نشانه های ظهور مهدی میدانستند و مدعی شدند او نفس زکیه ای است که پیش از ظهور کشته می شود.

از بین بردن بهانه های مدعیان

در برخی موارد امامان معصوم و سعی داشتند با از بین بردن دستاویز مدعیان دروغین، ادعای آنان را باطل کنند، شیوه متمایز شرکت امام صادق نه در تشییع جنازه اسماعیل از این نمونه است. در این زمینه گفتنی است اسماعیل در منطقه ای به نام غریض در نزدیکی مدینه از دنیا رفت و تابوت وی بر دوش مردم در حالی به سمت

گورستان بقیع تشییع شد که امام صادق نه با وضعیتی غیر معمول پیشاپیش آن حرکت می کرد، امام پیش از دفن اسماعیل بارها پوشش وی را کنار زد، و به گونه ای سعی نمود تا مرگ اسماعیل را برای همگان آشکار سازد. آشکار نمودن مرگ اسماعیل تنها برای زدودن تصور امامت و مهدویت اسماعیل در اذهان بوده است زرارۀ بن اَعین نقل می کند ساعاتی بعد از مرگ اسماعیل و پیش از دفن و کفن او، امام صادق حدود سی تن از اصحاب و یاران خود را درباره مرگ اسماعیل شاهد گرفت. طبق این روایت، داود بن کثیر رقی، حمران و ایابصیر نیز حضور داشتند. شهادت گرفتن امام صادق نه برای مرگ اسماعیل، بعد از غسل و کفن کردن، بعد از گذاشتن لحد، قبل از خاک ریختن و بعد از آن نیز تکرار شد (صدوق، ۱۴۰۸ ق، ۶۰-۷۰).

شایان ذکر است که امام رضا نیز با در پیش گرفتن شیوه اجتماعی جدیدی در صدد برآمد تا با مدعیان مهدویت امام کاظم به تقابل بپردازد؛ به این صورت که ایشان آشکارا امامت خود را اعلام نمود، در حالی که دیگر امامان معصوم بلند در این زمینه تقیه کردند. واقفیه اظهار امامت علتی را دستاویزی برای انکار امامت امام رضا قرار دادند. علی بن ابی حمزه بطائنی از جمله کسانی بود که در امر اظهار امامت انتقاداتی وارد ساخت، اما امام تشنه در پاسخ وی فرمود: اولین نشانه امامت من این باشد که از جانب هارون به من آسیبی نرسد، وگرنه من دروغگو باشم (صدوق، ۱۴۰۸ ق، ۶۰-۷۰).

مناظره با مدعیان دروغین

برای روشنگری و کشف حقایق و شناخت واقعیت ها، مناظره، بحث و بررسی رو در رو از بهترین و محکم ترین شیوه های تبلیغی برای رسیدن به هدف است که اگر فرض بر اثر تعصب و لجاجت، مورد قبول واقع نشود، دست کم موجب اتمام حجت خواهد بود.

گفتگوهای مکرر امام صادق با حیان سراج از جمله تلاش ها در راستای هدایت مدعیان دروغین است. حیان سراج از کیسانیه بود. داستان جالبی درباره دو نفر از اطرافیان امام صادق به نامهای حبان سراج و حماد بن عیسی وجود دارد. معروف است که این دو اعتقاد داشتند محمد بن حنفیه هنوز زنده است. امام صادق ضمن نکوهش آنان خاطر نشان ساخت که ابن حنفیه به خاک سپرده شد و اموال و دارایی اش تقسیم گردید و همسرش نیز پس از او ازدواج کرد از این گفتگوها فهمیده می شود که کیسانیه بر اساس برخی از آیات و روایات معتقد بوده اند برای هر یک از افراد بنی اسرائیل که در قرآن از آنها سختی رفته، نظیری در امت اسلامی وجود دارد. در این خصوص امام صادق به حیان فرمود: شما که معتقدند چیزی در بنی اسرائیل رخ نداده، مگر آنکه نظیر آن در امت اسلام واقع خواهد شد، آیا در بنی اسرائیل عالمی را سراغ دارید که مرگ او را مردم دیده و

همسرانش پس از مرگش ازدواج کرده و اموالش را به ارث برده باشند، ولی او همچنان زنده باشد، بی آنکه بمیرد؟ (اشاره به اعتقاد کیسانیه به حیات محمد بن حفیه).

ویژگی های جریان واقفیه به گونه ای بود که شدت مبارزه امام را در ساخت های مختلف می طلبید، مناظرات علمی یکی از ساخت های این مبارزه بود. آغاز کننده این مناظرات عمدتاً سران واقفیه بودند که شبهات خود را در زمینه های مختلف مطرح می کردند و پاسخ آن را می شنیدند. در این زمینه گفتنی است که محمد بن عیسی یقطینی پانزده هزار مسئله درباره سوالاتی که از امام رضا در زمانی که در امامت حضرت اختلاف شده بود را گردآوری کرده است. این خود نشان از اهتمام خاص امام رضا در مواجهه با واقفیه است کند (طوسی، ۱۳۴۸: ۶۱-۶۹).

منزوی ساختن

یکی دیگر از اقداماتی که امامان معصوم در مقابل این افراد انجام میدادند، منزوی کردن ایشان بود. به کارگیری این روش که از زمان رسول خدا دارای سابقه بوده است، فوایدی را در برداشته است که عبارت هستند از:

۱. اعلام انحراف این افراد به جامعه شیعه؛
۲. برحذر داشتن شیعیان از خطر انحراف آنها؛
۳. اعلام برائت از ادعاها و اعمال آنها؛
۴. فراهم ساختن زمینه بازگشت این افراد به صراط مستقیم؛
۵. جلوگیری از جعل احادیث به وسیله این افراد و ادعای شنیدن این روایت ها از امامان معصوم.

امامان معصوم برای منزوی کردن این افراد، اجازه ورود ایشان را به نزد خود نمی دادند و به تمامی شیعیان دستور می دادند که آنها را در اجتماعات خود راه ندهند. به عنوان نمونه:

امام صادق اصحاب ابو الخطاب و غالیان را متذکر شده و فرمودند: با آنها نشست و برخاست نکنید و از خوردن و آشامیدن با آنها اجتناب کرده و با آنها دست نداده و به آنها ارث ندهید.

قسم به خدا که من و تو (بشار شعیری) زیر یک سقف جمع نخواهیم شد. از او بر حذر بوده و حاضران به ما بیان این نکته را ابلاغ نمایند.

از فارس بن حاتم بهره‌ییزید و او را در هیچ یک از امور مربوط به خود دخالت ندهید (کشی، ۱۴۰۹: ۴۳۰-۴۵۰).

مرتد معرفی کردن مدعیان

از آن جا که ادعاهای افراد نام برده، گاه به شکلی بود که از خط قرمزهای شریعت فراتر می رفت، امامان معصوم بدون هیچ ملاحظه ای، خروج آنها را از دین اعلام می کردند (طبرسی، ۵۴۰: ۴۷۰-۴۷۸). این روش در چند مرحله اجرا میشد:

الف) تفسیق و تکفیر

ب) اعلام صریح ارتداد

پ) درخواست عمومی برای اجرای حکم ارتداد

ت) فرستادن مامور برای اجرای حکم ارتداد

ج) اجرای حکم ارتداد در حضور امام

د) اعلام رضایت از به درک واصل شدن این افراد

ارانه معنویت اصیل

امامان معصوم، برای جلوگیری از انحرافات اعتقادی برنامه سیر و سلوک معنوی خاصی را برای اصحاب تعریف می نمودند. در برنامه ایشان، اساس حرکت تقوای الهی و انجام دادن واجبات و ترک محرمات بود. به عنوان نمونه، روایت می شود:

شیعیان جعفری تنها کسانی هستند که بطن و فرج خود را عقیف داشته و در جهاد شدت ورزیده و برای خالق خود عمل زنیکو نمایند، به ثوابش امید دارند. تمامی احتیاجات سالک مانند هدف، برنامه، شرح منازل، ذکر موانع، انگیزش ها و تضمین ها در روایت های امامان معصوم به زیبایی تبیین شده است که شرح آن را باید در کتاب های اخلاقی جست و جو کرد. بی شک زمانی که مسیر عرفان حقیقی برای جامعه ترسیم شود، زمینه فعالیت سودجویان از بین خواهد رفت (کلینی، ۱۳۶۵، ۱۵۰-۱۶۵).

تبیین جایگاه امام و امامت

همان گونه که گفته شد، دو انحراف ادعاهای دروغین و غلو در بسیاری موارد در کنار یکدیگر شکل می گرفتند. از همین رو، یکی از برنامه های تربیتی امامان معصوم برای مقابله با ادعاهای دروغین، برخورد با پدیده غلو از راه تبیین دقیق جایگاه امام در نظام هستی بود. ایشان در روایت های مختلف به تبیین این مسئله می پرداختند و بر بنده بودن خویش در برابر خداوند تأکید می کردند. گاه که خبر افراط برخی افراد در این مسئله به امامان می رسید، شیوه برخورد ایشان چنان بود که راه را بر تکرار این انحراف برای حق طلبان می بستند. به عنوان نمونه روایت می شود:

چون خبر آنان را به امام صادق دادم، به سجده افتاد و سینه را به زمین رساند، گریست، و بارها تکرار کرد، بلکه بنده ای هستم ذلیل، سپس در حالی سر از سجده بر داشت که اشک بر محاسن شریفش جاری شده بود و فرمود: اگر در مقابل آنچه ابو الخطاب در مورد من گفته است سکوت پیشه کنم حق است بر خداوند که گوشم را ناشنوا و چشمم را نابینا سازد (کشی، ۱۴۰۹: ۴۳۰-۴۵۰).

ما تنها بندگان مخلوق خداییم که از سوی او برگزیده شده ایم، نه قدرت پر ضرر داریم و نه قدرت بر نفع. اگر بر ما رحم کند، از رحمت او است و اگر ما را عذاب سازد، از کوتاهی ما است (کشی، ۱۴۰۹: ۴۳۰-۴۵۰).

توصیه به تزکیه نفس

یکی از ریشه های اصلی انحراف، پیروی از هوا و هوس است. امامان معصوم برای جلوگیری از ایجاد عرفانهای دروغین، اقدامات تربیتی فراوانی را برای تزکیه نفس اصحاب خویش انجام می دادند، اما با توجه به نقش خاص ریاست طلبی، ایشان به صورت ویژه، اصحاب را از آن بر حذر می داشتند. برخورد امام صادق با اطرافیان ابوالخطاب نمونه روشنی از این امر است. ایشان در این باره می فرماید:

آیا نمی خواهید که از فضایل انسان مسلمان به شما خبر دهم؟ از فضایل مسلمان آن است که گفته شود: فلانی قاری کتاب خداوند عزوجل است و فلانی دارای ورع است و فلانی در عیادت پروردگار خویش کوشاست. این ها فضایل انسان مسلمان است. شما را چه به ریاست، مسلمانان همه یک دست هستند. از مردان (مریدان) بپرهیزید که آنان باعث هلاکت هستند (کلینی، ۱۳۶۵، ۱۳۰-۱۶۵).

ملعون است کسی که خود را رئیس دیگران سازد! ملعون است کسی که قصد آن را نماید؛ و ملعون است کسی که در دل اندیشه آن را نماید ریاست طلبی نه تنها در ایجاد عرفان های کاذب، بلکه در ایجاد فرقه های فقهی و

کلامی نیز نقش مهمی دارد. در این باره، امام صادق خطاب به ابوحنیفه که بعد از مناظره ای با حضرت علی، از اعمال قبلی خود ابراز پشیمانی و ندامت کرد، فرمودند:

حب ریاست تو را رها نمی کند، همچنان که پیشینیان تو را رها نساخت (کلینی، ۱۳۶۵، ۱۳۰-۱۶۵).

معرفی الگوهای رفتاری مثبت

یکی دیگر از اقدامات امامان معصوم بی برای مقابله با مدعیان دروغین، معرفی الگوهای رفتاری از میان اصحاب بود تا از این طریق، شیعیان با شیوه صحیح سیر و سلوک آشنا شوند و در صورت عدم دسترسی به امام معصوم از طریق ارتباط با این افراد، درست را از نادرست تشخیص دهند. یکی از حکمت های تعیین نواب اربعه در زمان غیبت صغرا، همین مسئله است و تأثیر این افراد در جلوگیری از فعالیت های مدعیان دروغین، واضح و آشکار است. در این باره روایت می شود:

شیعیان، زمانی که ابوالخطاب، اقدامات خود را انجام داد به نزد امام صادق رفتند و گفتند: شخصی را برای ما مشخص نمایید تا در امور دینی و احتیاجات احکامی خود به او پناه بریم. حضرت فرمودند: بر شما باد به مفضل. از او بشنوید و حرفش را قبول نمایید که او از جانب خدا و از جانب من، جز به حق سخن نمی گوید (کشی، ۱۴۰۹: ۳۷۰-۴۱۰).

ارائه معیارهای تشخیص امامان معصوم

ملاک های تعیین و تشخیص امام را بیان کرده و در اختیار شیعیان قرار داده بودند تا اگر در شرایطی در این امر دچار مشکل شدند به آن تمسک جویند و از سرگردانی و گمراهی در آیند. این ملاک ها گذشته از پاره ای صفات عمومی چون زهد و تقوا و صیانت و دین و ایمان، بیشتر در یک امر اساسی تجلی و ظهور داشت که امامان معصوم را نیز بر آن به عنوان نشانه اساسی شناخت امام تأکید می کردند. این امر عبارت بود از علم جامع و کامل که در گفتار امامان از آن تعبیر شده است و غالباً به صورت خبر دادن از غیب و بازگو کردن اسرار درونی افراد جلوه می کرد. این نشانه از دیرباز ملاک اساسی برای شیعیان در تشخیص امام برحق بود. در اخبار متعددی ذکر شده است که شیعیان به نزد کسانی می رفتند که احتمال امامت آنها میرفته و آنان را نسبت به دارا بودن این نشانه ها می آزمودند و چنان که به برخورداری وی از غیب یقین نمی یافتند، او را رها کرده، به سراغ دیگری می رفتند تا اینکه در نهایت به حقیقت دست یافته، امام برحق را می یافتند (کلینی، ۱۳۶۵، ۱۵۰-۱۶۵).

نتیجه

یکی از مشکلات موجود جامعه اسلامی که دارای پیشینه تاریخی است، ظهور مدعیان دروغین است که به علت فعالیت های دینی و مذهبی زمینه انحراف مؤمنان را به وجود می آورند. شواهد روایی و تاریخی نشان می دهد، فعالیت عمومی این افراد در دوره های مختلف دارای وجوه مشترک بوده است. امامان معصوم با روشهای مختلف به مقابله با این افراد می پرداختند. مجموعه روش های ایشان، گنجینه ارزشمندی را برای روش مقابله با این انحراف در زمان حاضر فراهم ساخته است. دعوت به بازگشت به مسیر حق، گفتمان سازی برای جلوگیری از انحراف، اعلام انزجار از مدعیان، توجه دادن به ریشه های شیطانی انحراف، پرده برداری از توطئه مدعیان، از بین بردن بهانه های مدعیان، مناظره با مدعیان دروغین، منزوی ساختن، مرتد معرفی کردن مدعیان، ارائه معنویت اصیل، تبیین جایگاه امام و امامت، توصیه به ترکیه نفس، معرفی الگوهای رفتاری مثبت و ارائه معیارهای تشخیص امامان از جمله مهمترین شیوه های برخوردی امامان معصوم می باشد. نتیجه این اقدامات امامان معصوم را می توان در این موضوع یافت که بسیاری از فرقه های مبتنی بر ادعاهای دروغین مهدویت نظیر کیسانیه، باقر به، ناسپه، واقفیه و تمامی انشعابات فرقه ای پدید آمده در ابتدای غیبت صغری به تاریخ پیوستند، شیخ مفید و شیخ طوسی اظهار می دارند که تمام این انشعابات به تدریج محو شدند و فقط شیعه اثنی عشری به عنوان تنها مذهب و مکتبی که معتقد به زنده بودن و غیبت موعود است. در تاریخ ماندگار شد. در مجموع می توان نتیجه گرفت سبک مدیریتی امامان در مواجهه با مدعیان دروغین مهدویت به دلیل ویژگی ها و مختصات منحصر به فرد و متفاوت با آنچه در جامعه کنونی در تقابل با انحرافات دیده می شود، ظرفیت های بالقوه ای دارد که می تواند شکل دهنده مطالعات جدیدی گردد.

پیشنهادات

با آن که مسئله مدعیان دروغین یکی از معضلات فرهنگی مهم جامعه شیعه است و برای مقابله با آن تلاش های فراوانی صورت گرفته است. امامان معصوم به عنوان راهنما و الگوی مسلمانان در این زمینه نیز روشنگر بوده و با ارائه بهترین شیوه ها و اقدامات سعی در اثبات حقانیت و نهی مدعیان دروغین مهدویت نموده اند. مقاله حاضر سعی نمود تا مهمترین اقدامات و شیوه های امامان معصوم را در برخورد با این افراد بیان کند. با نگارش مقاله حاضر، موضوعات و موارد جدیدی نمایان گشت که بررسی و مطالعه آنها طی مطالعات تکمیلی دیگر می تواند راهگشا و تبیین کننده موضوع باشد تا مسلمانان بتوانند در جامعه کنونی نیز بتوانند حق از باطل را متمایز بنمایند. برخی از این موارد عبارتند از:

۱. الگو پذیری مسلمانان از امامان معصوم در مسئله حاضر با در نظر گیری شرایط زمانی، مکانی و موقعیتی؛
۲. بررسی و تحلیل کامل علت موفقیت مدعیان دروغین در جذب مخاطب؛
۳. شناسایی کامل این افراد و شرح کامل دیدگاه ها و فعالیت‌های آنها؛
۴. شناسایی مبانی فقهی منزوی کردن منحرفان و راهکارهای اجرایی آن در جامعه؛
۵. بررسی تأثیر اندیشه ها و فعالیت‌های این افراد در ایجاد تصویر نامناسب از جامعه شیعه.

منابع

- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم: دار العلم، ۱۴۰۹ ق.
- جعفری، سید حسن محمد، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
- شریفی، احمد حسین، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان های کاذب، قم: صبه‌های یقین، ۱۳۸۷ ش.
- شوشتری، نوالله بن شریف الدین، مجلس المومنین، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۷ ش.
- شیخ صدوق، ثواب العمال و عقاب الاعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ ق.
- صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، بیرون، دار الحیا التراث، ۱۴۰۸ ق.
- صدر حاج سید جوادی، احمد؛ کامران فانی، بها الدین خرمشاهی، دایره المعارف تشیع، تهران، انتشارات شهید سعید محبی، ۱۳۸۶ ش.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتیاج علی اهل اللجلج، ۵۴۰ ق.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ المم و الملکوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، تحقیق حسن مصطفوی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
- فرهمندپور، فهیمه، باور عمومی شیعیان به اصل امامت و نقش آن در توسعه اقتدار اجتماعی ائمه، اندیشه نوین دینی، ۱۳۸۷ ش.

قاضي، وداد، الكيسانيه في التاريخ و الادب، بيروت، بي نام، ١٩٧٤ م.
قرشي، باقر شريف، حياه الامام مهمد المهدي، قم، چاپخانه امير، ١٤١٧ ق.
كليني، محمد بن يعقوب، اصول الكافي، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٥.
كشيف محمد بن عمر، رجال الكشي، مشهد: موسسه نشر دانشگاه مشهد، ١٤٠٩ ق.
نفيسي، اكبر، عقايد صوفيه، تهران، نشر مهر، ١٣٧٣ ش.